

اسپانیا تعویض سیاسی را برگزید



با انتخابات مؤرخ ۲۴ می در اسپانیا تغییر عمیقی در وضع سیاسی این کشور رهگشایی کرد. با وجودیکه سیستم دو حزبی درین کشور کاملاً از میان برداشته نشد ولی متحمل ضعف شدید و بیسابقه یی گردید. در هیچ یک از ارگانه‌های محلی حزب محافظه کار مردم (پی. پی.) و یا حزب سوسیال دموکرات اسپانیا (پی. اس. او. ای.) نتوانسته اند ۵۰٪ آرا را بدست آورند. ائتلاف‌های نیرو های چپ و جنبش‌های اجتماعی در سراسر اسپانیا پیروزمندانه رهگشایی کردند و در جایگاه سومین نیروی توانمند سیاسی قرار گرفتند. (پی. اس. او. ای.) می‌خواهد به پیشقراول "تغییر به چپ" مبدل گردد.

بتاریخ ۲۴ می در اسپانیا انتخابات پارلمان های منطقوی از جمله ۱۷ منطقه خود مختار (هر منطقه معادل با یکی از ایالت ها در سیستم فدرالی) در ۱۳ منطقه آن و در سراسر کشور انتخاب شورا های شهری و شورا های محلی برگزار شد. این انتخابات در جایگاه پیشبینی عمومی برای انتخابات پارلمانی در خزان امسال بررسی میگردد.

بعد ازین انتخابات هیچ چیزی به منوال گذشته نخواهد بود:

- سیستم عنعنوی دو حزبی متشکل از حزب محافظه کار مردم (پی. پی.) و حزب سوسیال دموکرات اسپانیا (پی. اس. او. ای.) بیشتر از سه میلیون رأی را از دست دادند.
- تقریباً نیمه مراکز ایالتها بوسیله نیرو های چپ اداره میشود.

با وجود از دست دادن آرا- حزب مردم قوی ترین حزب باقی ماند

البته حزب محافظه کار مردم (پی. پی.) ، حزب نخست وزیر راخوی در انتخابات سراسری بیشترین آرا را بدست آورد ولی نازل ترین نتایج را از ۲۰ سال بدینسو نصیب شد. با بدست آوردن ۲۷٪ آرا بیشتر از ۱۰٪ آرا را در مقایسه با انتخابات سال ۲۰۱۱ از دست داد. این حزب

۲۴۴۴ میلیون رأی دهنده و در همه شهر های با اهمیت اکثریت قاطع را از دست داد. در ۱۰ منطقه خود مختار که تا حال (پی. پی.) حکومت میکرد اکثریت قاطع و بدین ترتیب حد اقل ۸ حکومت منطوقی را کاملاً از دست داد.

از دست دادن شهر های با اهمیت و گذشته از همه حکومت های منطوقی تیری بود میان قلب محافظه کار ها زیرا تا کنون امکان آنرا در دست داشتند تا با استفاده از وجوه مالی بودجه اجتماعی، سیاست شانرا تحمیل نموده و رأی دهنده ها را به سوی صندوقهای رأی بکشاند؛ بگونه مثال حکومت منطوقی والنسیا بودجه ۱۶ میلیارد دالری داشت. برای نیرو های دست راستی از دست دادن مادرید و والنسیا خیلیها درد آور است. پس از چندین دهه در پایتخت امکان آن میسر شد تا (پی. پی.) که از سال ۱۹۹۱ بدینسو طور دوامدار بناروال ازین حزب بود، شکست خود را بپذیرد. کاندید "مادرید اکنون" (اهورا مادرید) خانم منوئلا کارمینا در صورتیکه پشتیبانی (پی. اس. او. ای.) را بدست آورد میتواند بناروال جدید پایتخت انتخاب گردد.

یکی از پدیده های انتخابات همانا ظهور یک حزب اعتراضی جدید بورژوایی سیودادانوس است. سیودادانوس در تقریباً ۱/۰۰۰ از جمله ۸/۱۲۲ واحد اداری در انتخابات سهم گرفته و حدود نیمه آن آرا را از آن خود ساخته است که (پی. پی.) آنرا از دست داده است. با داشتن بیشتر از یک میلیون رأی این حزب ۶۶٪ آرا را بخود اختصاص داد. مهمتر از همه اینکه این حزب در بسیاری از واحد های اداری به فکتور تعیین کننده اکثریت زای بورژوایی و نیولیبرالی مبدل شد. این حزب در بلاک بورژوازی مشخص میسازد که آیا (پی. پی.) ضعیف میتواند به حاکمیت ادامه دهد یا خیر. سوسیال دموکرات های اپوزیسیونی در سراسر کشور ۲۵٪ آرا را بدست آورده و بدین ترتیب در مقام دوم قرار گرفتند. در فرجام طوریکه دیدیم با وجودیکه (پی. اس. او. ای.) آرا را از دست داد ولی از به علت منشعب بودن نیرو های سیاسی از نیرومندی در مذاکرات برای ائتلاف برخوردار شدند.

سانچس در موضعگیری اش در رابطه با نتایج انتخابات ادعا کرد که "(پی. اس. او. ای.) در جایگاه قوی ترین نیروی چپ در سراسر اسپانیا، در هر یک از مناطق خود مختار" تلقی گردد و اینکه مسوولیت آنرا دارد تا "حکومت های تعویضی را رهبری کند". منشی عمومی (پی. اس. او. ای.) گفت که این انتخابات "سر آغاز فروپاشی راخوی" بشمار می آید واز واحد های حزبی مطالبه کرد تا حکومت های چپی را تشکیل دهند. (پی. اس. او. ای.) باید شناسایی کند که مجبور است با پودیموس ائتلاف نماید اگر میخواهد (پی. پی.) را از حکومت برکنار سازد.

(پی. اس. او. ای.) امکانات آنرا دارد تا در ۷ منطقه خود مختار تشکیل حکومت دهد هرگاهی با نیرو های چپ و مقدم بر همه با پودیموس وارد ائتلاف شود.

نتیجهٔ اتحاد چپ در انتخابات پارلمان های منطقوی فاجعه بار است: اتحاد چپ پیش ازین در ۸ پارلمان منطقوی حضور داشت ولی اکنون فقط در ۴ پارلمان منطقوی حضور دارد؛ در مناطقی چون مادرید، والنسیا، موریسیا و اکستریمادورا از پارلمان رانده شد. بدین ترتیب تعداد نماینده های شان از ۳۵ تن به ۹ تن کاهش یافت.

در واحد های اداری محلی نتایج بهتر بود و در مقایسه با سال ۲۰۱۱ اتحاد چپ حدود ۴۰۰/۰۰۰ رأی را از دست داد اما در همه حال هنوز هم ۱'۵۸ میلیون رأی (۴۷۲%) را بدست آورده و بدین ترتیب ۲/۲۱۷ نماینده در واحد های اداری محلی دارد که حدوداً مساوی با تعداد نماینده ها در انتخابات قبلی است. بناءً اتحاد چپ هنوز هم در سطح واحد های اداری محلی یکی از نیرو های پر اهمیت سیاسی باقی خواهد ماند.

این امر در مادرید باعث انشعابی در میان اتحاد چپ شد. موریسیو والینتی که در مرحلهٔ مقدماتی انتخابات به صفت کاندید برجستهٔ اتحاد چپ برای پست بن‌اروال شهر مادرید معرفی شده بود متعلق به جناح چپ ائتلافی است که فعالانه در ساختار اتحاد گانیموس اشتراک داشته و بعد ها با پودیموس و سائر نیرو های سیاسی و با "مادرید اکنون" پیوست. موریسیو والینتی در جایگاه چهارم لست "مادرید اکنون" معرفی شد. موصوف که یکی از فعالان حزب کمونیست اسپانیا است درین زمینه پشتیبانی جلسات سازمانهای اولیهٔ چپ ائتلافی مادرید و سازمانهای منطقوی حزب کمونیست اسپانیا را با خود داشت.

البته انتخابات شور و بحث را در درون چپ ائتلافی شعله ور خواهد ساخت. همسویی های گستردهٔ احزاب چپ و جنبش های اجتماعی در مادرید، بارسلونا، زاراگوسا و یا والنسیا که به حیث قوی ترین و یا احزاب طراز دوم در شهر های شان پیروز شدند باعث استحکام مواضع البرتو گرزون گردید که بالای همسویی جنبش های چپ و اجتماعی و ایجاد پیوند مردمی استوار بود.

بیشترین پیروزی را فورماسیون انتخابات چپ جدید در شهر های مادرید و بارسلونا بدست آوردند. هر دو شهر بزرگ اسپانیا به سمبول تعویض مبدل شدند.

"مادرید اکنون" ادامهٔ "جنبش انزجار" است که در بهاران سال ۲۰۱۱ در میدان آفتاب (پوئرتا دیل سول) مادرید زاده شد. انسجام حزبی آن بوسیلهٔ گانیموس مادرید و پودیموس بنیاد گذاشته شد. گانیموس محصول فعالیت های "جلسه های شهروندی" (اسامبله ها) جنبشهای اجتماعی و احزاب چپ میباشد. "مادرید اکنون" با بدست آوردن ۳۱'۸۵% آرا یعنی بیشتر از نیم میلیون رأی دهنده به یکباره گی ۲۰ کرسی را در شورای شهر مادرید از آن خود کرد، فقط یک کرسی از حزب حاکم (پی. پی.) عقب افتاد. با استفاده از ۹ نمایندهٔ شورای شهر از جانب (پی. اس. او. ای.) اکثریت چپی بمیان آمده و مانوئلا کارمینا (مراجعة به فوتو) میتواند بحیث بن‌اروال انتخاب گردد. کارمینا در

شام انتخابات اعلام داشت: "این مطلب واضح است که اکثریت برای تعویض برنده شده است. این اکثریت را "مادرید اکنون" و هیچ کدام نیروی دیگری که اقدام در جهت تعویض نموده است برای خودش برنده نشده است. پیروزی از آن مردان و زنان مادرید است."

هوشدار انتخابات ارگانهای محلی: پودیموس به تنهایی کافی نیست

برای البرتو گارزون انتخابات ارگانهای محلی وسیله‌ی خواهد بود تا دست به پخش هوشداری بزند که انسانها میخواهند سیستم اجتماعی موجود را تغییر بدهند. این هوشدار مؤثر گردید. بخصوص پیروزی هیدا کولوا در بارسلونا و مانوئلا کارمینا در مادرید چند ماه اندک پیش از انتخابات عمومی پارلمانی اسپانیا یک تقویم جدید سیاسی را گشود. همین شهرهای بزرگ میتوانند به "نیروی محرکه تعویض در اسپانیا" مبدل گردند. اتحادهای چپی مصروف آن اند تا "کمر بند سرخی" را که بدور مادرید، والنسیا و بارسلونا در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ سده پار کشیده بودند و آنرا نخست (پی.اس. او.ای.) و بعد ها (پی.پی.) شکسته بودند دوباره از آن خود سازد.

نتایج انتخابات پیشبینی گارزون را مبنی بر اینکه در "آنجاییکه ما پیوند هایی داریم تعداد آرای مردم چندین برابر خواهد شد. و اینکه در آنجاییکه نیروهای چپ میخواهند به تنهایی پیروز گردند ما نتایج بدی را خواهیم داشت- با امکانات محدود باید وضع اجتماعی را دگرگونه سازیم."

پودیموس اکنون در ۱۳ پارلمان منطقوی نماینده دارد- در ۹ پارلمان نیروی سومی، در ۳ پارلمان نیروی چهارمی و در یک پارلمان نیروی پنجمی است. بدین ترتیب نتایج انتخابات منطقوی در اندلس ادامه می یابد که پودیموس پیروزی بدست می آورد ولی به تنهایی ضعیف است تا تعویض را وسیله شود.

پودیموس به تنهایی برای هدف تعویض کافی نیست. برای تعویض گفته هیدا کولوا صادق است: "ما میخواهیم پیروز گردیم این بزرگترین تمایز است. و برای آنکه پیروز شد مجبوریم مساعی مان را بیشتر از پیش هم آهنگ سازیم."

ولی پابلو اگلیزیاس منشی عمومی پودیموس در همه حال اشاره بدان میورزد که شهروندان "نه بخاطر یک پیمان بلکه بخاطر یک تعویض سیاسی رأی داند، زیرا پیش شرط یک پیمان آنست که آنانیکه سیاست صرفه جویی را تطبیق نموده اند مجبورند ۱۸۰ درجه موقف شان را تغییر دهند.

پودیموس "دست باز همکاری را بسوی همه آنانی غرض مذاکره" دراز میکند که انعطاف صفری را در برابر ارتشاً پذیرا شده، از حقوق اجتماعی دفاع کرده و به سیاست صرفه جویی نقطه انجام بگذارند.

هیدا کولوا روز یکشنبه شام اعلام داشت: "ما یک امکان تاریخی را بدست آوردیم و باید از آن استفاده اعظمی کنیم."